

[ورود امارات بر اصول 1](#_Toc530519478)

[حکومت استصحاب بر سایر اصول 2](#_Toc530519479)

**موضوع**: رابطه استصحاب و برائت /تطبیقات تعارض غیر مستقر /تعارض ادله

**خلاصه مباحث گذشته:**

تقدّم استصحاب بر سایر اصول عملیه چند تقریب داشت ؛ یکی از آن ها ورودی بود که از کلام مرحوم آخوند ذکر کردیم[[1]](#footnote-1) ، دیگری حکومت بود که در کلام مرحوم شیخ آمده بود .[[2]](#footnote-2)منشا تفاوت این دو تقریب هم در تعیین موضوع حدیث رفع بود که آیا « ما لا یعلمون » أعمّ از حکم ظاهری است یا اختصاص به حکم واقعی دارد ؟ تقریب سومی هم با استفاده از کلام مرحوم نایینی بیان کردیم که هیچ یک از بزرگان ذکر نکرده اند[[3]](#footnote-3) نتیجه این تقریب هم « حکومت » است و هم « ورود » .

# ورود امارات بر اصول

با این توضیح که امارات وارد بر اصول عملیه اند ؛ چون اماره یعنی حجیت به معنای کاشفیت ، یعنی تنزیل به منزله علم در حکایت و کشف[[4]](#footnote-4) ، با این تفاوت که کشف علم تامّ و ذاتی است و کشف اماره ناقص و تعبّدی .[[5]](#footnote-5)واقعیت اصل هم تنزیل به منزله علم به جهت جری عملی است ، به لسان تنزیل بیان شود یا تعبّد مستقیم به جری عملی . در این حال چون فرض آن است که موضوع اصل عملی تحیّر و « عدم انکشاف واقع » است؛ چه به علم وجدانی یا به علم تعبّدی[[6]](#footnote-6)،بعد از قیام اماره حقیقتا موضوع اصل منتفی می شود و این « ورود » است .[[7]](#footnote-7) مطابق این تقریر موضوع اصول « عدم علم حقیقی » است و علم حقیقی دو فرد دارد : علم وجدانی و علم تعبّدی ، همانگونه که مرحوم خویی فرموده اند و بعید نیست مراد مرحوم نایینی هم باشد .[[8]](#footnote-8)

# حکومت استصحاب بر سایر اصول

اگر بنا شد که استصحاب اصل عملی باشد ، ملاک در حجیت آن جری عملی است نه کاشفیت ؛ بنابراین موضوع اصل برائت بعد از جریان استصحاب حقیقتا منتفی نمی شود .[[9]](#footnote-9) اما چون دلیل استصحاب تنها متضمّن بر جری عملی نیست بلکه این جری عملی را با لسان «ثبوت یقین» بیان کرده است ، این ادله دلالت عرفیه لفظیه بر در نظر داشتن کاشفیت و تنزیل ادعایی به منزله کاشف دارد[[10]](#footnote-10). با این ادعا علم حقیقیِّ ولو أماری، شکل نمی گیرد اما تعبّدا موضوع برائت منتفی می شود که حقیقت «حکومت» است .

تا به حال حکومت را قبول نمی کردیم چون احتمال می دادیم « الاستصحاب علم » کنایه از جری عملی باشد و با چنین کنایه ای حکومت شکل نمی گیرد چون لغویتی لازم نمی آید .[[11]](#footnote-11) اما در این تحلیل جدید معنای « الاستصحاب علم » ادعاء اماریت برای استصحاب به دلالت لفظیه است [[12]](#footnote-12)و با این ادعاء حکومتی برای استصحاب بر سایر اصول شکل می گیرد .

1. . قطع به حجیت اماره ، عدم علم در « رفع ما لایعلمون » که أعمّ از به واقع و یا وظیفه ظاهری است را حقیقتا منتفی می کند . [↑](#footnote-ref-1)
2. . در « ما لایعلمون » موضوع علم به واقع است اما استصحاب ادعاء علمیّت می کند . [↑](#footnote-ref-2)
3. . از مبنای مرحوم نایینی استفاده کردیم اما تقریب بیان شده منحصر به فرد است . [↑](#footnote-ref-3)
4. . این حقیقت مقتضی حجیت مثبتات اماره است ، پس در عالم اثبات برای قول به حجیت آن ها احتیاج به دلیلی زائد بر دلیل اثبات حجیت یک شیء به مناظ اماریت نداریم . [↑](#footnote-ref-4)
5. . در تشخیص صغرای جعل اماریت می توان از تحلیل سیره عقلاء در مورد آن اماره و اطلاق مقامی دلیل شرعی اعتبار استفاده کرد که نازل بر همان سیره موجود است . در مواردی که شارع ابداع در جعل حجیت دارد راهی برای کشف اماریت یا اصل بودن نداریم ، البته اگر وجود چنین موردی در شریعت را پذیرفتیم . [↑](#footnote-ref-5)
6. . این مطلب غیر از تعمیم به حکم واقعی و حکم ظاهری است که مرحوم آخوند فرمودند، حکم ظاهری احتیاط را هم شامل می شود اما تقریب حاضر اختصاص به اماره دارد . [↑](#footnote-ref-6)
7. . ورود است چون رفع موضوع متوقّف بر تعبّد شرعی است. البته مراد استعمالی از «علم» در موضوع اصول علم وجدانی است اما به قرینه اماریت مراد جدی از آن أعمّ است . [↑](#footnote-ref-7)
8. . این مطلب نه تنها بعید نیست بلکه مخالف نصّ کلام مرحوم نایینی است ؛ آن جا که تقریبی شبیه به این بیان را به عنوان بهترین وجه ادعاء «ورود» بیان فرموده و سپس به نقد آن نشسته اند ، با تکیه بر این نکته که موضوع استصحاب «مطلق احراز» ، یعنی أعمّ از احراز وجدانی و تعبّدی ، نمی باشد . [فوائد الاصول، محقق نایینی، ج4، ص599.](http://lib.eshia.ir/13102/4/599/) (مقرّر) [↑](#footnote-ref-8)
9. . خلافا لمرحوم آخوند که قائل به « ورود » شدند . [↑](#footnote-ref-9)
10. . این مطلب غیر از آن است که تنزیل به ملاک کاشفیت باشد تا در نتیجه استصحاب اماره شود . [↑](#footnote-ref-10)
11. . این تقریب مطلبی نو و غیر از تقریب مرحوم شیخ و مرحوم نایینی است . [↑](#footnote-ref-11)
12. . که مستدعی جری عملی است . [↑](#footnote-ref-12)